

## تشخیص استعدادات

-۲-

بقلم آقای رشید یاسمی

خلاصه کردن تمام فصول کتاب دکتر کلابارد راجع به تشخیص استعدادات شاگردان مدارس در يك مقاله ممکن نیست زیرا که تحقیقات آن کتاب خرد خلاصه چندین مجله بزرگ و عصارهٔ تجربیات عمرهاست بعلاوه در بعضی فصول که تعریف استعداد و درجات و اجناس هوش را مؤلف تحت بحث قرار داده بقدری اصطلاحات و لغات جدیده علمیه هست که اولاً بترجمه فارسی در نمی آید ثانیاً بر فرض جعل لغت هر يك يك صفحه توضیح و تفسیر لازم خواهد داشت بنا بر این با کمال تأسف و محض رعایت اختصار و وضوح از بیان خلاصه آن فصول صرف نظر کرده و ساده ترین قسمت ها را اختیار می کنیم . تاریخ فن تشخیص استعداد و اسامی علمائی که در قرن نوزدهم و بیستم میلادی در آن زحمت کشیده اند چندان مفید نیست اما قسمتی که راجع بلزوم تفکیک قریح است باین ترتیب خلاصه میشود : بعد از تعیین استعداد اطفال بوسیله امتحانات خاص چند چیزی مشخص خواهد گردید نخست عده عقب ماندگان هر کلاس دوم علت عقب ماندگی آنها و این علل و اما ندگی از چند صورت خارج نخواهد بود یا اساساً میزان قریحه شاگرد پست است یعنی هوشش بطور کلی قلیل و قوه اش خفیف است یا اینکه هوش دارد اما نوع استعداد و میول و اخلاقش با کلاس متفاوت است و بعلت همین اختلاف عقب مانده است . یا اینکه هوش و استعدادش یا بر جا و متناسب بوده لیکن عوارض خارجی استعدادش را فاسد و خاموش نموده است مثل غفلت و بی مبالائی اقوام ، پستی و فساد محیط اجتماعی

نقص یکی از حواس ظاهری، امراض ارثی و مکتسب و حالات عصبی و غیره .

فایده دوم تفکیک استعدادات معرفی شدن شاگردان با هوش درجه اول است این شاگردان میرهٔ سرسبد جامعه هستند و دولت یا مدرسه باید آنها را ممتاز کرده و در محیط خاص نگاهدارد و تربیت کند در ۱۹۱۷ در شهر برلن مدرسه مخصوصی برای شاگردان فوق‌العاده تاسیس گردید در ۱۹۱۸ شهر هامبورگ هم بمرکز آلمان تاسی نمود سپس سایر بلاد مبادرت جستند در ۱۵ اکتبر ۱۹۲۱ پارلمان بلژیک اعتبار مخصوصی برای اطفال بسیار با هوش معین نمود .

این امتحان که عقب ماندگان هر کلاس را مشخص و نوابغ هر مدرسه را معین می‌کند در واقع امتحان « کمی » باید نامیده شود زیرا فقط معلوم می‌نماید که فلان شاگرد هوش دارد یا نه و هوشش خیلی است یا کم اما دیگر معلوم نمیکنند که نوع هوش چیست و استعدادش بچه و چیز است پس یک امتحان دیگر لازم است که مؤلف آنرا امتحان « کیفی » می‌نامد .

بعد از آنکه پیدا شد که قریحهٔ چه رشته درسی در شاگرد غلبه دارد مؤلف پیشنهاد می‌کند که او را بیک مدرسه بفرستند که دروس را بنا بر قریح شاگردان تقسیم کند یعنی بر طبق استعداد هر فردی از افراد دروسی داشته باشد و تعلیماتش مثل لباس و کفش باندام و پیای هر شاگردی راست و مناسب بیاید این مدرسه را *Ecole sur mesure* اسم گذاشته است و نزدیکترین فایده اش آن خواهد بود که شاگرد در حرف و صنایع دلالت می‌یابد و براهی که طبیعت برایش معین کرده

سیر می کنند دیگر صاحبان کارخانه ها و مدیران ادارات هر روز شکایت نمیکنند که جوانان دیپلمه و مدارس عالییه طی کرده سهل ترین کار اداره یا دارالتجاره را نمیتوانند انجام بدهند و وقت و پول و شهرت رؤسای خود را بر باد می دهند. فایده دیگر امتحان استعدادی آن است که علل بعضی از مفاسد اخلاقی مانند دروغگوئی و دزدی و نامی و غیره معلوم میشود زیرا بتجربه رسیده که نقص هوش و استعداد باعث این قبیل اعمال است از این جهت در محاکم اطفال این امتحانات استعدادی را مجری داشته و استفاده برده اند اکنون در آمریکا یکا یک کلینیک پسی کویاتی Psychopatic Clinic ضمیمه محاکم اطفال و جوانان گردیده است که استعداد و حالات روحی مقصرین را در آن می سنجند.

فصل سوم کتاب در بیان کیفیت و انواع استعدادات است بدوآ تعریف علمی و فلسفی و طبی استعداد را مفصلاً شرح میدهد و بحث میکند آیا استعداد انی است یا کسبی و استعدادهای انی را از کسب چکونه می توان تمیز داد و پیدایش یک استعداد و تحولات او تحت چه ضابط علمی قرار می گیرد.

این بحث ها چنانکه گفتیم مقاله را تاریک تر از آنچه هست خواهد کرد بهتر اینکه به قسمت علمی پرداخته و وسایل سنجش قریحه را خلاصه کنیم.

بچه وسیله و با چه طریقه ممکن است یک استعدادی را اندازه گرفت و جنس آنرا معلوم ساخت؟ برای حصول این نتیجه عمده مولف قریب نصف کتاب را بشرح و توصیف محکها و موازین مختلفه اختصاص میدهد که در مدت نسبتاً قلیلی از روی احصائیه و حساب بما میفهماند

که فلان شاگرد (یا عده شاگرد) دارای فلان استعداد و متمایل بفلان رشته اند.

بدیهی است که شخص درسنجش يك حالت روحی دو نظر دارد یکی فهم کیفیت آن و دیگر کمیت یا درجه شدت و ضعف آن. اما چون برای تعیین درجات کیفیت استعدادها هیچ میزان علمی خلل ناپذیری در دست نداریم کیفیات را هم با اعداد نشان میدهیم و ارقام را برای معرفی و تعیین درجات شدت و ضعف کیفیات بکار می‌بریم.

تشخیص قریحه اطفال از دوحیث است یا اینکه می‌خواهیم بدانیم فلان طفل نسبت بسنش عقب مانده یا پیش افتاده است یا اینکه می‌خواهیم استنباط کنیم که استعدادهای این طفل کدامند پس دو نوع محك باید تعیین کرد: یکی محك سن و یکی محك استعداد.

۱ - ساده ترین محك های سن آن است که بینه و سیمون Bint Simon, اختراع کرده اند بعد از تجربیات فراوان يك رشته سئوالانی مرتب نموده اند که هر يك از آنها مناسب با دماغ اطفال در سنین مختلفه عمر است مثلا طفل سه ساله باید بتواند چشم و بینی و دهان خود را نشان بدهد و طفل چهار ساله باید بداند که پسر است یا دختر. طفل پنجساله باید بتواند يك مربع را استنساخ کنند. مطابق احصائیه هفتاد و پنج درصد تمام شاگردان هر سنی سئوال مزبور را جواب داده اند پس مسلم شده که فلان قسم سئوالات مخصوص اطفال چهار ساله است و فلان نوع سئوال متعلق بشاگردان ۱۲ یا ۱۳ ساله است. حال اگر يك طفل شش ساله امتحان همسالان خود را نداد و امتحان چهار سالگی را داد نتیجه این میشود که دو سال عقب است و هر چند سن حقیقتش ۶ است

اما « سن دماغیش » ۴ است

۲ - اما محك های استعداد . در سنجش استعداد منظور غیر سنجش سنی است . مقصود آن نیست که به بینیم فلان شاگرد پائین تر یا بالاتر از میزان سن خود است بلکه قصد آن است که بدانیم طفل مزبور بالاتر یا پائین تر از حد متوسط شاگردان همسال خود است . بعبارة اخری بطور تحقیق مرتبه يك شاگرد را در میان همسن های خود از لحاظ فلان قریحه میخواهیم پیدا کنیم . برای این مقصود بهترین طریق صد شمارى Percentilage است

مخض بیان معنی کلمه میگوئیم که صد شاگرد را برای امتحان استعداد تند نویس حاضر می کنیم و يك عبارت را « مثلاً زمین گرد است » بانها میدهیم که در یکدقیقه هر قدر میتوانند بیشتر بنویسند بعد تنده حروف هر يك را می شماریم و منظمآ ردیف می کنیم باین قید که اسم شاگردی که کمتر دارد بالا نوشته میشود و آنکه بیشتر نوشته در پایان ستون میافتد . طبعاً شاگرد متوسط در وسط قرار میگیرد . بعد از تهیه شدن این احصائیه هر وقت شاگردی در یکدقیقه ۷۵ حرف مثلاً نوشت از روی آن صورت معلوم میشود که چه رتبه را حائز است بعبارة اخری معین میگردد که میزان تند نویسی او هفتاد و پنج صدم است .

سپس قسمتی راجع به تمیز دادن محك های سنی از محك های استعدادی می نویسد و از روی اشکال هندسی و منحنی های مختلف ثابت می کند که از یکدیگر جدا و دارای خواص مخصوص هستند .

وسایلی که برای فهمیدن میزان قریحه اتخاذ کرده اند در بادی نظر حقیر و مضحك بنظر می رسد ولی باید دانست که هر چند این وسایل

پیش ما که در مدارج سن بالا رفته ایم قابل استهزاء است اما برای دماغ اطفال تقریباً حکم مسائل ریاضی را دارد بعلاوه هر يك از این محك‌های امتحان را هزاران بار در مدارس مختلفه و باشاگردان متفاوت سنجیده اند و تحقیقاً ثابت شده است که مثلاً استنساخ يك شکل مربع درست مطابق حوصله طفل پنج ساله عادی است اگر طفلی زودتر از این سن با استنساخ مربع موفق شد هوشش قوی تر و اگر دیر تر از پنج سالگی توانست هوشش ضعیف تر از حد متوسط است بنا بر این وسایل کودکانه علمای مجرب نتایج صحیحه دقیقه میدهند و عمده نتیجه است .

ترمن Terman امریکائی از جمله علمائی است که يك سلسله محك‌های خاص بمناسبت قریحه هموطنان خردسال خود ترتیب داده و شهرت بزرگی کرده است این محك‌ها بترتیب سنین عمر اطفال است . مثلاً کودک چهار ساله باید ارقام ۹-۳-۷-۴ را منظمأ تکرار کند یعنی ممتحن یکمرتبه میگوید و شاگرد باید مکرر سازد . بطفل هفت ساله تصویری می دهند و از وی پرسند صورت چیست و از چه حکایت می کند ؟ باید کاملاً شرح بدهد ، (اما تصاویر مخصوص) .

بطفل هشت ساله می گویند از بیست تا يك معکوس بشمار . بشاگرد ده ساله چند جمله غیر منطقی میدهند که خطای آنرا بگوید مثلاً :  
 « دیروز پلیس نعش دختر جوانی را یافت که ۱۸ قطعه شده بود مردم گمان میکنند خودش را کشته باشد » یا اینکه : « مردی میگفت راهی که از خانه ما تا شهر میرود همه جا سرازیر است و همچنین جاده که از شهر بخانه ما میاید همه جا سرازیر است »

از طفل ۱۴ ساله می پرسند چه فرق است میان پادشاه و

رئیس جمهور یا مسائل ریاضی را برایش طرح می نمایند .

بشاگردی که بیش از پانزده سال داشته باشد این مسئله را می دهند  
 « مادری پسر خود را بکنار نهر می فرستد و دو ظرف باو می سپارد که  
 یکی ۳ لیتر و دیگری ۷ لیتر گنجایش دارد و از او میخواهد که ۷ لیتر  
 آب بیاورد. آیا پسر چگونه موفق میشود که این مقدار را تحقیقاً  
 معین کند و بیاورد؟ »

این چند نمونه بود از جمله میزان های بسیاری که ترمن تهیه کرده  
 سایر علماء و معلمین اروپا هم سلسله های مختلف از محک ها ترتیب  
 داده اند که نمیتوان تمام آنها را که برای قریح و استعدادات مخصوص است  
 در این جا شرح داد . نگارنده با وجود نقایص اساسی که در مدارس ایران  
 می بینم هرگز پیشنهاد نمی کنم که این تجربیات عالیه را معمول بداریم  
 و شاگردان را از حیث قریحه طبقه بندی کنیم زیرا که معلم و ممتحن  
 عالم و دقیق بسیار لازم است اما بنظرم خیلی مفید است که کتاب دکتر  
 کلاپارد یا کتاب دیگر در همین زمینه ها مشروحاً ترجمه و طبع شود  
 تا معلمین از ترتیب سنجش استعدادات آگاه گردند و شخصاً تجربه کنند  
 و لا اقل زمینه برای امتحانات رسمی که بعد ها دولت اقدام نماید  
 حاضر سازند



### چابکی در راه علم

لوکان نور العلم یدرك بالمنى  
 اجهد ولا تكسل ولا تك غافلا  
 ماكان ببقی فی البریه جاهل  
 فتمد امة العقبی لمن یتكاسل